

Social regeneration; Community-oriented spatial strategic planning in low-income neighborhoods

Hamid Masoudi *

Assistant Professor, Department of Sociology, University of Birjand, Birjand, Iran

*Corresponding author's email address:
hmdmasoudi@birjand.ac.ir

How to cite this article:

First author name, Second author name, Social regeneration; Community-oriented spatial strategic planning in low-income neighborhoods, *Journal of Engineering and Construction Management (JECM)*, 2021; 6(1):1-7.

Abstract

In recent years, urban planners have realized the challenges of a one-dimensional approach to designing and creating cities and improving the quality of life in low-income neighborhoods, and they try to use other perspectives such as psychological, economic, cultural and social perspectives in their planning. Strengthening the community-oriented and social point of view is very important in this regard, and the aim of the current research is to examine the dimensions of social regeneration in strategic spatial planning. For several years, urban regeneration and community-oriented regeneration programs have been carried out by municipalities and other organizations in different cities of the country. The current research is trying to obtain the achievements of the social regeneration approach for spatial strategic planning. After reviewing the past experiences and theoretical foundations as well as analyzing the existing models, achievements such as improving the identity, sense of belonging and dependence of the people to the localities, improving the level of social participation, social capital and people's social interactions, strengthening community-oriented planning with the involvement of people in all paths of spatial development, improving the level of people's satisfaction with urban management, spatial planners and their performance, improving the level of social sustainability of the target areas of regeneration, capacity building and social mobilization in the way of planning and design, and empowering the local community in line with urban planning and design through social regeneration for strategic spatial planning Determined.

Keywords

Social regeneration, social empowerment, community-oriented planning, social sustainability

بازآفرینی اجتماعی؛ برنامه‌ریزی راهبردی فضایی اجتماع‌محور در محلات کم‌برخوردار

حمید مسعودی *

عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۱

ارجاع به مقاله:

حمید مسعودی، بازآفرینی اجتماعی؛ برنامه‌ریزی راهبردی فضایی اجتماع‌محور در محلات کم‌برخوردار، مهندسی و مدیریت ساخت، ۱۴۰۰؛ ۶(۱): ۱-۷.

چکیده

در سال‌های اخیر، برنامه‌ریزان شهری به چالش‌های نگاه تک‌بعدی به طراحی و خلق شهرها و ارتقای کیفیت زندگی محلات کم‌برخوردار پی برده‌اند و تلاش می‌کنند از سایر نگاه‌ها همچون نگاه روان‌شناسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نیز در برنامه‌ریزی‌های خود استفاده کنند. تقویت دیدگاه اجتماع‌محور و اجتماعی در این میان اهمیت بسزایی داشته و هدف پژوهش حاضر نیز بررسی ابعاد بازآفرینی اجتماعی در برنامه‌ریزی راهبردی فضایی است. چند سالی است که در شهرهای مختلف کشور، برنامه‌های بازآفرینی شهری و بازآفرینی اجتماع‌محور توسط شهرداری‌ها و سایر سازمان‌ها انجام می‌شود. پژوهش حاضر در تلاش است تا دستاوردهای رویکرد بازآفرینی اجتماعی را برای برنامه‌ریزی راهبردی فضایی بدست آورد. پس از مرور بر تجربیات گذشته و مبانی نظری و همچنین تحلیل مدل‌های موجود دستاوردهایی همچون ارتقای هویت، حس تعلق و وابستگی مردم به محلات، ارتقای سطح مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و تعاملات اجتماعی مردمی، تقویت برنامه‌ریزی اجتماع‌محور با دخالت مردم در تمامی مسیرهای توسعه فضایی، ارتقای سطح رضایت مردم از مدیریت شهری، برنامه‌ریزان فضایی و عملکرد آنها، ارتقای سطح پایداری اجتماعی محلات هدف بازآفرینی، ظرفیت‌سازی و بسیج اجتماعی در مسیر برنامه‌ریزی و طراحی و توانمندسازی جامعه محلی در راستای برنامه‌ریزی و طراحی شهری از طریق بازآفرینی اجتماعی برای برنامه‌ریزی راهبردی فضایی مشخص گردید.

کلمات کلیدی

بازآفرینی اجتماعی، توانمندسازی اجتماعی، برنامه‌ریزی جامعه‌محور، پایداری اجتماعی



6 (1) , 2021

دوره ۶، شماره ۱
بهار ۱۴۰۰

فصلنامه پژوهشی

مهندسی و مدیریت ساخت

جایگاه و هویت خود را از دست داده و همچنین جذابیت‌های ناشی از تمایزات مکانی و فرهنگی در این راستا کم رنگ شده است. در این راستا لزوم بازنگری در اقدامات مربوط به بازآفرینی در بافت‌های تاریخی به منظور استفاده از امکانات و پتانسیل‌ها و ارتقاء حس تعلق و در نتیجه هویت‌مندی محلات احساس می‌گردد. نقش محلات

۱- مقدمه

عدم توجه به ویژگی‌های خاص مکانی و فرهنگی و ارزش‌های بومی و محلی در فرآیندهای توسعه شهری منجر به یکنواختی سیما و ظاهر شهرها شده است و محلات شهری به عنوان مکان تبلور فرهنگ

تاریخی در شهرهای گذشته به عنوان مکان تبلور فرهنگ جاری در فضا بسیار پررنگ و حائز اهمیت است [۱]. به همین جهت توسعه کالبدی بدون توجه به ابعاد اجتماعی در اولین قدم به تخریب هویت و حس تعلق شهروندان منجر می‌شود. از سوی دیگر بخش زیادی از فضای شهری در کشورمان، دچار فرسودگی و افت شدید کالبدی، اقتصادی و اجتماعی شده، که بازآفرینی شهری با تکیه بر مشارکت اجتماعی از راهکارهای رفع این مسئله است و از راهکارهای ارتقای مشارکت نیز ظرفیت سازی در محلات شهری است [۲]. بدون مشارکت مردم و توجه به هرم مشارکتی در این نوع بافت‌ها نمی‌توانیم به بازسازی و طراحی دوباره آنها اقدام کنیم.



شکل ۱ هرم بازآفرینی و مشارکت مردم در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری [۳].

عدم تعادل در سیستم خدمات‌رسانی شهری می‌شود، بهتر است به جای زیر ساخت بردن زمین‌های حاشیه‌ای شهرها، اراضی خالی مانده درون شهری، بالخصوص بافت‌های فرسوده توسعه یابند، مشروط به اینکه با افزایش سرانه خدمات شهری نیز همراه گردند [۶]. یکی از معضلات چنین بافت‌هایی ضعف خدمات‌رسانی برای مثال جمع‌آوری زباله و خدمات آتش‌نشانی است. مشارکت در چنین طرح‌هایی می‌تواند به صورت اجرایی، فکری، مالی یا نیروی انسانی باشد.

- مشارکت اجرایی**
 - نوسازی ملک خود به صورت فردی، نوسازی ملک خود با همسایگان به صورت مشارکتی، همکاری با مجربان طرح نوسازی در اجرای پروژه‌ها، آماده‌سازی برای مجری شدن برخی پروژه‌های نوسازی، مشارکت نکردن در اجرای طرح نوسازی.
- مشارکت فکری**
 - کمک به ترسیم چشم انداز آینده طرح نوسازی محله، ارائه مشاوره به مدیریت طرح نوسازی منطقه، آماده‌سازی برای تشکیل کارگروه نوسازی منطقه، شرکت در جلسات تصمیم‌گیری سازمان مجری طرح نوسازی، عدم مشارکت فکری.
- مشارکت مالی**
 - نوسازی ملک یا هزینه شخصی متناسب با طرح کلی، شرکت در پروژه نوسازی معادل ارزش ریالی ملک، خرید سهام پروژه، انجام سرمایه‌گذاری مشترک، عدم مشارکت و فروش ملک.
- مشارکت نیروی انسانی**
 - تسهیل‌گری طرح نوسازی محله، مدیریت هماهنگی طرح نوسازی محله، همکاری تخصصی در اجرای طرح، عضویت در هیات نظارت بر اجرای طرح، نگذاشتن وقت و توان برای مشارکت در طرح نوسازی منطقه.

شکل ۲ مشارکت پذیری در طرح‌های ساماندهی بافت فرسوده [۴]

در بررسی تاریخی، بازآفرینی شهری به عنوان یک واژه عام که مفاهیم دیگری نظیر بهسازی، نوسازی، بازسازی، توانمندسازی و روان‌بخشی بافت‌های فرسوده را در فضاهای عمومی شهری در بر می‌گیرد، به کار می‌رود. از طرفی فضای شهری بستری مناسب برای فعالیت‌های شهری و مکانی برای تعاملات اجتماعی و زمینه‌ساز شکل‌گیری و توسعه سرمایه اجتماعی به شمار می‌آیند. توسعه سرمایه اجتماعی موجب تقویت ارزش‌هایی مانند همبستگی، یکدلی، اتحاد، همکاری و مشارکت همگانی می‌شود [۷]. تعامل با دیگران، حس امنیت، حس تعلق، حس اعتماد و مشارکت از ابعاد سرمایه اجتماعی است و لذا در بازآفرینی شهری بدون توجه به جامعه مغفول باقیمانده و محلات را دچار خسران می‌کند. در نهایت اینکه چنین محلاتی دارای مشکلات عدیده‌ای هستند که نارضایتی عمومی را سبب می‌شود. بافت‌های فرسوده حاشیه‌ای اغلب در زمره مناطق محروم شهر از نظر اجتماعی، اقتصادی و کالبدی هستند و این امر عامل نارضایتی ساکنان، عدم پویایی و رونق حیات شهری در آنهاست [۸]. هدف از نگارش پژوهش حاضر بررسی مبانی نظری، تجربی و مدل‌های بازآفرینی اجتماعی است تا بتواند راهنمای مناسبی برای برنامه‌ریزی و طراحی راهبردی فضایی باشد. چرا که این برنامه‌ریزی بدون توجه به ابعاد اجتماعی ممکن نخواهد بود.

۲- مروری بر مطالعات بازآفرینی اجتماعی

هلس و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی ابعاد هویتی بازآفرینی اجتماعی پرداخته‌اند. به بیان آنها مناطقی که رویکرد اجتماعی محور یا مشارکت از پایین به بالا در بازآفرینی اتخاذ شده است و در اصل فرهنگ محور هستند، سطوح بالاتری از انسجام و همبستگی را نسبت به سایر مناطق دارا می‌باشند [۹]. لذا رویکرد مشارکت از پایین به بالا می‌تواند تقویت‌کننده هویت محلی باشد. این هویت به حمایت اجتماعی، تکریم اجتماعی، عزت نفس و خودکارآمدی مرتبط است. همچنین این جوانب با ابعاد رفاه و مشارکت جمعی همسو است و در نهایت بازآفرینی شهری بدون توجه به ابعاد هویتی ممکن نخواهد

امروزه، هویت شهری انسان‌ها و خاطرات جمعی آن‌ها با بی توجهی روبه رو شده و انسان ارتباط خود را با مکانی که در آن زندگی می‌کند از دست داده است. فقدان هویت مکان و خاطره انگیزی آن در فضاهای شهری مشکلاتی در هویت فردی و جمعی شهروندان ایجاد کرده است. لذا می‌توان فضاهای شهری را طوری طراحی و برنامه ریزی نمود، که علاوه بر احیاء هویت و حفظ خاطرات گذشته، در شکل‌گیری خاطرات جدید نیز موثر باشد و بستر لازم را برای وقوع رویدادهای شهری فراهم سازد. مهم‌ترین رویکردی که در بازطراحی و بازسازی محلات شهری مطرح می‌شود که در آن بعد اجتماعی اهمیت دارد، بازآفرینی شهری و بازآفرینی اجتماعی است. واژه Regeneration از ریشه فعل Regenerate به معنای احیا کردن، جان دوباره بخشیدن، احیا شدن، از نو رشد کردن بوده و همچنین در تعریف این عبارت گفته می‌شود که به معنای بازتولید طبیعی، بخشی از یک تمامیت زنده می‌باشد که در معرض نابودی قرار گرفته است. بازآفرینی شهری، عبارت است از دید جامع و یکپارچه و مجموعه اقداماتی که به حل مسائل شهری بینجامد، به طوری که بهبود دائمی در شرایط اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی بافتی که دستخوش تغییر شده را به وجود آورد [۴]. در کنار نگاه کالبدی توجه به بعد اجتماعی و مشارکت مردمی نیز ضرورت دارد. وسعت بافت‌های تاریخی و فرسوده در ایران و کم‌توجهی به لایه‌های اجتماعی در تشخیص اینگونه بافت‌ها، لزوم پرداختن به حوزه‌های اجتماعی و مکان را روشن می‌سازد. رویکرد اخیر، «بازآفرینی شهری» است که دید جامعی به بافت‌های تاریخی و حفاظت آن دارد [۵]. این رویکرد در راستای پایداری اجتماعی محلات و توسعه پایدار قرار می‌گیرد. در رویکرد توسعه پایدار، برای کنترل رشد افقی شهرها که موجب مشکلات کالبدی و اجتماعی، شکل‌گیری بافت‌های فرسوده و

JECM
Journal of Engineering & Construction Management
6 (1), 2021
دوره ۶، شماره ۱
بهار ۱۴۰۰
فصلنامه پژوهشی

بازآفرینی اجتماعی: برنامه‌ریزی راهبردی فضایی اجتماع محور در محلات کم‌پرخوردار

بود. کالاتینو و دیکسون (۲۰۱۱) در پژوهشی مصادیق بازآفرینی شهری را با هدف ارزیابی ارتباط آن با پایداری اجتماعی بررسی کرده‌اند [۱۰]. آنها به این جمع‌بندی رسیده‌اند که پروژه‌های بازآفرینی شهری می‌توانند به‌عنوان خروجی بالقوه در ایجاد حداقل ۱۰ بعد از ابعاد و سیاست‌های پایداری اجتماعی مؤثر باشند. آنها پس از استخراج نقاط شاخص این اصول به ۴ اصل عدالت، فراگیری اجتماعی، انطباق‌پذیری و امنیت رسیده‌اند. آنها همچنین توجه به مفاهیم جامعه محلی و واحد همسایگی را مرکز و محور بازآفرینی شهری دانسته و آن را به‌عنوان بستر مهمی برای دستیابی به پایداری اجتماعی در نظر گرفته‌اند.

گلسون و وود (۲۰۰۹) به بررسی تأثیر بازآفرینی اجتماعی بر پایداری اجتماعی شهری پرداخته‌اند. به بیان آنها تا کنون بازآفرینی شهری توجه کمتری به بعد اجتماعی داشته است و تغییرات جوامع، تلاش برای پایداری و جلب مشارکت مردم باعث شده است تا تصمیم‌گیران به موضوع بازآفرینی اجتماع‌محور توجه بیشتری داشته باشند. این امر در شهرها اهمیت بسزایی دارد؛ چرا که مردم در مسکن، معبر و فضاهای شهری حضور جدی دارد و نگرش‌ها، انگیزه‌ها و جوانب اجتماعی آنها پررنگ است [۱۱]. اورتا (۲۰۰۷) به بررسی بازآفرینی شهری با رویکرد اجتماع‌محور در شهر مادرید پرداخته است. به بیان وی شهرهای بزرگی همچون مادرید، دستخوش تغییرات کالبدی بسیاری شده‌اند و این تغییرات بر ابعاد اقتصادی و اجتماعی تأثیرگذار بوده و تغییرات عمیق را در آنها ایجاد کرده است. در این میان اگرچه کیفیت و قیمت املاک و مستغلات افزایش یافته است ولی برخی گروه‌های اجتماعی این تغییرات را خطری برای خود و شهر می‌دانند. بسیج اجتماعی در راستای مخالفت با این تغییرات از سال ۱۹۷۷ شکل گرفته و شامل گروه‌هایی مردمی، مهاجران، ساکنان، سمن‌ها و انجمن‌های فرهنگی است. مهم‌ترین خطر را نیز در تغییرات بافت فرهنگی و هویتی در بخش‌های هدف بازآفرینی می‌دانند [۱۲].

هال (۲۰۰۶) در پژوهشی ضمن تبیین بازآفرینی محله و بررسی دلایل شکست سیاست‌های پیشین در ارتباط با بازآفرینی پایدار محله، به تبیین نقش صندوق‌های سرمایه‌گذاری مسکن در بازآفرینی محله و در نهایت اهمیت توجه به همه شمول بودن اقدامات بازآفرینی محله به‌ویژه در حوزه اجتماعی پرداخته است. وی با نگرش انتقادی، به ارائه چارچوبی راهبردی که تعادل میان بازآفرینی کالبدی و اجتماعی را برقرار سازد، پرداخته و این هدف را از طریق ارائه رویکردی که نقش ساکنان محله را به‌عنوان نقش کلیدی و در کانون برنامه‌های بازآفرینی در نظر گرفته، تحقق‌پذیر می‌داند [۱۳].

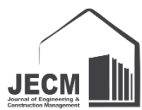
علیزاده بیرجند و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به تحلیل فضای - مکانی میزان مشارکت اجتماعی در بازآفرینی بافت ناکارآمد شهری بیرجند پرداخته‌اند [۱۴]. نتایج نشان داد که میزان مشارکت اجتماعی این بافت‌ها در طرح‌های بازآفرینی شهری اندک و ناکافی بوده و بیشترین عامل مؤثر در افزایش مشارکت مردم در این بافت‌ها؛ مولفه شفافیت و اعتمادسازی است. سطح بندی بافت‌های ناکارآمد به لحاظ میزان مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری نشان داد محلات جوادیه و کارگران به ترتیب در رتبه‌های اول و دوم (وضعیت مطلوب) و محلات چهاردرخت و هفده شهرویر در رتبه سوم و چهارم (وضعیت نیمه مطلوب) و محله ته ده با در رتبه پنجم و محله موسی بن جعفر

با ضعف در شاخص‌های تعلق مکانی، شفافیت و اعتمادسازی، انسجام اجتماعی، تمایل به مشارکت و نوع مشارکت در جایگاه آخر قرار گرفته است.

اسمعیل‌پور و همکاران (۱۴۰۰) به تبیین نقش منزلت اجتماعی محله در گرایش به بازآفرینی آن با کاربست مدل معادلات ساختاری بافت میانی شهر اراک پرداخته‌اند [۲]. یافته‌ها نشان داد اصالت و منزلت اجتماعی طبقه ساکن در بافت میانی شهر اراک سبب افزایش قیمت بالای زمین و مهمترین علت گرایش به این بافت است. در درجه بعد دسترسی آسان این بافت به مرکز شهر عامل گرایش به آن و افزایش قیمت زمین در این بافت است. تأثیر پایین بودن هزینه حمل و نقل، در تصمیم افراد برای انتخاب این محلات برای زندگی تأیید نشد. بازآفرینی این بافت در تغییرات دموگرافی آن و خروج ساکنان بومی و طبقات منزلتی پایین به دلیل افزایش هزینه‌های زندگی در این محلات به سبب اعیان‌سازی مورد تأیید قرار گرفت. اصالت و منزلت اجتماعی بافت میانی شهر اراک سبب شده این بافت در شهر اراک برخلاف نظریه برگس به منطقه‌ای جذاب برای بسیاری از شهروندان این شهر و محل سکونت اقشار بالای اجتماعی و اقتصادی تبدیل شود. بوچانی و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی بازآفرینی بافت تاریخی مبتنی بر توسعه میان‌افزا در جهت راهکاری در پایداری اجتماعی- اقتصادی شهر پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده اهمیت توسعه مجدد اراضی رهاشده درون شهری است که علاوه بر کیفیت- بخشی در عرصه پروژه، در بافت پیرامونی به عنوان محرک برنامه‌های بازآفرینی شهری عمل می‌کنند. هدف اصلی این پژوهش شناخت و بررسی پهنه‌های توسعه میان‌افزای محله عودلاجان تهران و اولویت‌ها و ظرفیت‌های آن و پاسخ به پرسش اصلی تدوین شده است [۶].

فنی (۱۴۰۰) به بررسی اثرات بازآفرینی در پایداری اجتماعی- فرهنگی محله‌های تاریخی پرداخته است. نتیجه پژوهش گویای آن است که اهمیت و شرایط اجتماعی محله ایران قبل از برنامه بازآفرینی دارای میانگین ۳/۴۹ و بعد از آن، با اندکی نزول به ۳/۳ رسیده است. شرایط فرهنگی نیز پس از بازآفرینی دارای میانگین ۳/۸۱ بوده که نسبت به قبل از آن، تغییری نکرده است. این گونه قابل استنباط است که وضعیت اجتماعی- فرهنگی محله ایران، نسبتاً بهبود یافته، اما تأثیرات برنامه‌های بازآفرینی کالبدی محله بسیار کم بوده که علل آن هم بررسی و تحلیل شده است [۱۵].

علائی بوسجین (۱۳۹۹) به مطالعه تأثیر بازآفرینی شهری بر توسعه سرمایه اجتماعی پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بازآفرینی شهری پیاده راه عالی قاپو در اردبیل بر توسعه سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت و معنی داری دارد [۷]. احدنژاد و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی بازآفرینی اجتماعی بافت تاریخی با رویکرد گردشگری شهری پرداخته‌اند. به بیان آنها بافت‌های تاریخی علاوه بر اینکه بخشی از مناطق و محلات شهرها را تشکیل می‌دهند، روایتگر ویژگی‌های هسته اولیه شهرها و همچنین بیانگر یاد و خاطره فرهنگ و آداب و سنن ساکنین آن‌ها می‌باشند [۱۶]. در بافت‌های تاریخی و کهن ایران، معانی نمادین، پیوند عمیق و ناگسستنی با کالبد بافت داشته و این امر باعث شده است تا هویت محله‌های تاریخی برخاسته از باورها و نیازهای روحی و مادی ساکنین باشد؛ اما آنچه امروزه در این بافت‌ها مشاهده می‌شود، تنزل هویت اجتماعی و



6 (1), 2021

دوره ۶، شماره ۱
بهار ۱۴۰۰

فصلنامه پژوهشی

مهندسی و مدیریت ساخت

در نهایت فرسودگی تمامی ابعاد آن است؛ بر اساس یافته‌های این پژوهش، بیشترین مولفه و شاخص تاثیرگذار بر بازآفرینی بافت تاریخی شاخص حس تعلق و بیشترین مولفه تاثیرگذار به کارگیری نمادها و نشانه‌های بومی در فضای بافت تاریخی می‌تواند در بازآفرینی بافت تاریخی مؤثر باشد. سجادی و همکاران (۱۳۹۸) به بازتعریف شاخص‌های مکانی ارتقاء دهنده پایداری اجتماعی با رویکرد راهبرد بازآفرینی شهری در بافت تاریخی شهر سنندج پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که شاخص‌های تنوع فعالیتی، تراکم و فشردگی، طراحی منظر محله به ترتیب بیشترین تاثیر را بر ابعاد فعالیت‌پذیری، انسجام فضایی - کالبدی و عدالت‌مندی دارند. همچنین شاخص‌های مربوط به «هویت‌مندی» و شاخص‌های مربوط به «عدالت‌مندی» بیشترین تاثیر را بر پایداری اجتماعی بافت ناکارآمد مرکزی شهر سنندج دارند [۵].

اسمعیل‌پور و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی وضعیت ظرفیت‌سازی اجتماعی در محلات شهری و رابطه آن با مشارکت در بازآفرینی بافت‌های فرسوده پرداخته‌اند. از بین مولفه‌های «ظرفیت‌سازی اجتماعی»، تنها مولفه‌های مشارکت‌پذیری و تعهد اجتماعی در سطح مطلوب و سایر مولفه‌ها در وضعیت نسبتاً نامطلوب و نامطلوب و تمام مولفه‌های «استراتژی‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی» نیز در وضعیت بسیار نامطلوب هستند. شرایط متغیر «مشارکت شهروندان» در بازآفرینی شهری نیز نسبتاً نامطلوب است. سطح تمایل به مشارکت به ترتیب شامل مشارکت فکری، مالی، اجرایی و سپس مشارکت نیروی انسانی است. متغیر «مشارکت شهروندان» در بازآفرینی از همبستگی مطلوبی با متغیر «ظرفیت اجتماعی» و «استراتژی‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی» برخوردار است. همچنین، نقش مولفه شبکه‌سازی سازمانی در ارتقای ظرفیت اجتماعی محله فهادان بسیار برجسته است. بنابراین، تقویت فرآیندهای ظرفیت‌سازی می‌تواند تقویت مشارکت شهروندان در بازآفرینی محله را به همراه داشته باشد.

نادریان (۱۳۹۶) به بررسی بازآفرینی فرهنگی فضاهای شهری با هدف ارتقاء هویت محله‌ای می‌پردازد. این پژوهش سعی دارد با مطالعه و شناخت جنبه‌های مثبت و موفق در حوزه بازآفرینی فرهنگی، راهکارهای این رویکرد را شناسایی کرده و کیفیت‌های محیطی و جنبه‌های فرهنگی - اجتماعی محلات شهری را در راستای ارتقاء هویت محله‌ای بررسی نماید. در پایان با تاکید بر این معیارها، محله سنگ شهر همدان که محله‌ای تاریخی و واجد هویت غنی می‌باشد، بررسی و تحلیل شده است. نتایج تحلیل نشان می‌دهد با توجه به چهار معیار اصلی بازآفرینی فرهنگی و شش معیار اصلی هویت محله‌ای و ارتباط قوی بین این معیارها با یکدیگر می‌تواند به ارتقاء هویت محله‌ای محلات تاریخی کمک نموده و از این طریق حس تعلق شهروندان را موجب گردد [۱].

حبیبی و سیدرنجی (۱۳۹۵) به سنجش رابطه بین خاطره‌انگیزی و مشارکت اجتماعی در بازآفرینی هویت شهری شهرداری رشت پرداخته‌اند. به بیان آنها در دهه‌های اخیر به دلیل تحولات اجتماعی و فرهنگی، افزایش جمعیت و جابه‌جایی ساکنان قدیمی و اصیل این منطقه در سطح شهر، این فضای شهری مرکزی و با هویت شهر به سوی از دست دادن ارزش‌های کالبدی و اجتماعی خود پیش می‌رود.

بازبایی این مفاهیم در میدان شهرداری و گستره اطراف موضوع این پژوهش بوده و سعی بر آن است که با بازآفرینی ارزش‌های گذشته در کنار پاسخ‌گویی به ارزش‌های امروزی، از توانمندی‌های میدان شهرداری و جذب و تقویت حضور مردم سود جست و با ایجاد محیط‌های خاطره‌انگیز و حفظ و تقویت عناصر هویت بخش، مرکز شهر را باز تعریف کند. بر این اساس، سه عامل هویت مکان، خاطره‌انگیزی و مشارکت اجتماعی متغیرهای اصلی تحقیق را تشکیل دادند. روش تحقیق حاضر از نوع آمیخته اکتشافی بوده و از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، هرچند بین خاطره‌انگیزی و مشارکت اجتماعی با متغیر وابسته هویت مکان رابطه مستقیم و مثبتی وجود دارد، اما شاخص خاطره‌انگیزی در افزایش هویت مکان تاثیر گذارتر می‌باشد.

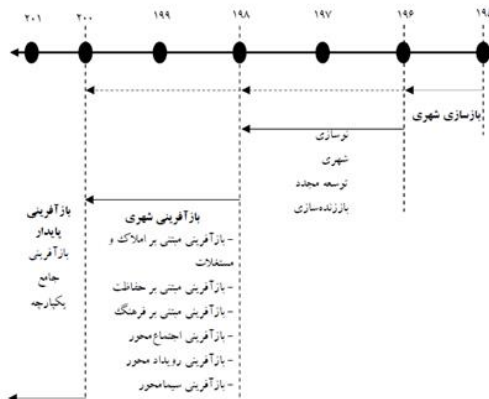
اسمعیل‌پور و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری با تاکید بر بسیج اجتماعی پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های این پژوهش اهالی محله کشتارگاه، مردمانی کم درآمد و فقیر هستند؛ که عزم جدی برای همکاری و مشارکت در مراحل مختلف پروژه‌های فقرزدایی را دارند و بالاخره راهبرد بسیج اجتماعی شیوه مناسبی برای ارتقا شرایط مردم و سکونت در محله کشتارگاه است. در این رابطه، مردم با تشکیل گروه‌های بحث، قادر به شناسایی مشکلات و ریشه‌یابی آنها در محله خود هستند تا متناسب با هر مشکل، نقش خود و سازمان‌های محلی را برای حل آن و ارتقای شرایط سکونت، بر عهده بگیرند [۸].

۳- مرور نظری بازآفرینی اجتماعی

بازآفرینی اجتماعی در راستای تغییر در سیاست‌های توسعه کالبدی مطرح شد و شعار اصلی آن مداخله به همراه مشارکت مردمی بود و ارتباط مهندسان شهری را با مردم محلی پررنگ کرد. مفاهیم مهم بازآفرینی شهری را در شش مقوله می‌توان مطرح نمود: بازآفرینی یک فعالیت مداخله‌گر است؛ عملیات بازآفرینی با فعالیت مشترک بخش‌های اجتماعی، عمومی و خصوصی صورت می‌گیرد؛ بازآفرینی فعالیتی است که در طول زمان همراه با تحولات اقتصادی، اجتماعی، محیطی و سیاسی تغییرات قابل ملاحظه‌ای در ساختارهای اداری به وجود می‌آورد؛ بازآفرینی به بسیج تلاش‌های جمعی می‌پردازد و پایه‌ای برای مذاکرات به منظور اتخاذ راه‌حل‌های مناسب ارائه می‌دهد؛ فرایند بازآفرینی مبتنی بر عملکرد عناصر مختلف سیستم شهری است و بازآفرینی مستلزم یکپارچگی در مدیریت تغییر است [۱۷].

پایداری اجتماعی یکی از محورهایی است که در راستای بازآفرینی اجتماعی محلات مورد توجه و تاکید است. هر نوع تغییر و ساخت و سازی بایستی تقویت‌کننده پایداری اجتماعی باشد، به همین جهت در پژوهش‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته و ابعاد و مؤلفه‌های آن مورد توجه قرار گرفته است. مؤلفه‌هایی همچون تساوی حقوق، دموکراسی، حقوق بشر، توزیع عادلانه‌تر درآمد، اشتغال، یکنواختی اجتماعی، دسترسی عادلانه به منابع و خدمات اجتماعی، ایجاد کار با دستمزد و کار داوطلبان، تأمین نیازهای پایه، برابر برای مشارکت در یک تأمین جامعه دموکراتیک، فعال کردن نوآوری‌های اجتماعی، عدالت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت، امنیت، نیازهای

یک جامعه خاص که می‌تواند برای حل مسائل جمعی، بهبود یا حفظ سلامت یک جامعه بکار گرفته شود. همچنین، بعنوان توانایی افراد، نهادها و واحدهای سازمانی برای انجام فعالیت‌ها به طور مؤثر، کارآمد و پایدار تعریف می‌شود.



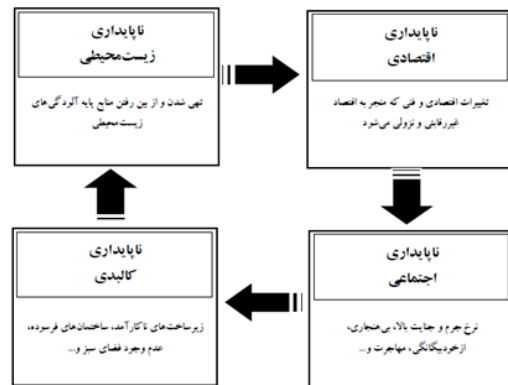
شکل ۴ روند تحول سیاست‌های توسعه شهری در محدوده‌های ناکارآمد شهری در جهان [۵]

عوامل مؤثر بر موفقیت بازآفرینی شهری یکی از محورهای مهم در بررسی پروژه‌های شهری است. در یک پروژه بازآفرینی موفق، تقویت محلات شهری به منظور ارتقاء هویت، همبستگی و احساس پیوند، مشارکت افراد، گسترش بینش‌های اجتماعی مشترک در بین گروه‌های مختلف اجتماعی با گرایش‌های متفاوت برای ایجاد همکاری و هماهنگی بین مردم، اعطای مسئولیت به مردم در خصوص مشارکت در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی مد نظر قرار می‌گیرد [۲۰]. مهم‌ترین اصول یک برنامه بازآفرینی مؤثر شامل داشتن چشم‌انداز راهبردی بلندمدت با تأکید بر پایداری زیست محیطی، تأکید بر ارتقای همه ابعاد یک اجتماع محلی بجای نوسازی کالبدی صرف، انعطاف‌پذیری برنامه‌های اجرایی اولیه همسو با تغییر شرایط اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و مدیریتی؛ قبول منحصر به فرد بودن مکان؛ تأکید بر رویکرد مبتنی بر اجتماع (اجتماع‌محور) در زمینه رفع فرسودگی شهری؛ مشارکت ذینفعان با تأکید بر نقش جوامع محلی؛ وجود تعامل و مشارکت بیشتر میان بازیگران و دستگاه‌های درگیر؛ تعادل و موازنه میان سرمایه‌گذاری دولتی، خصوصی و داوطلبانه؛ تلاش برای اطمینان از همراهی از طریق کامل‌ترین مشارکت ممکن و هم‌بخشی تمام ذی‌نفعان دارای منفعت قانونی در بازآفرینی است [۲۱].



شکل ۵ مدل‌های بازآفرینی اجتماعی [۲۲]

پایه، نیازهای نسل آینده، سرمایه اجتماعی، تساوی حقوق توجه به فرهنگ و گوناگونی جامعه، توانمندسازی و مشارکت، رفع نیاز به امرامعاش، حفاظت، محبت، درک‌کردن، مشارکت، اوقات فراغت، خلق‌کردن، هویت و آزادی، برابری اجتماعی، برآوردن نیازهای انسانی، کیفیت زندگی، تعامل اجتماعی (انسجام و شمول)، غرور، حس مکان و فرهنگ، هویت، تمرکز آینده بر فرهنگ در رابطه با پایداری اجتماعی محلات مورد توجه قرار می‌گیرد [۵]. در همین رابطه بر اساس چرخه معیوب ناپایداری اجتماعی مطرح می‌شود.



شکل ۳ چرخه معیوب ناپایداری اجتماعی [۵]

بازآفرینی یعنی تولید سازمان فضایی جدید منطبق بر شرایط تازه و ویژگی‌های نو که همگی در ایجاد روابط شهری جدید و یا تعریف دوباره روابط شهری کهن یا موجود مؤثر می‌افتد. بازآفرینی شهری، سیاستی جامع و دربرگیرنده برنامه‌های ارتقاء کیفی بافت‌های شهری با اهداف یکپارچه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و یکی دیگر از عناصر در مفهوم بازآفرینی شهری، زوال یا انحطاط (فیزیکی، اجتماعی یا اقتصادی) است و به صورت ساختاری است و به عنوان بخشی از روند طبیعی تغییر و سازگاری که بخشی از زندگی شهرها است، تغییر نخواهد کرد. در این مورد، تغییر، نیاز به عمل هدفمند توسط دولت از طریق سیاست و مداخله مستقیم، به عنوان نیروهای بازار برای ایجاد و تضمین سازگاری و یا تحول کافی دارد. در بازآفرینی شهری مسیری برای سازمان‌دهی مجدد، ارتقاء سایت‌های موجود به جای برنامه‌ریزی جدید و احیای مناطق محروم شهری سابق که تحت فشار قرار گرفته‌اند مورد توجه است [۱۸]. بر همین اساس سیر توسعه محلات در سال‌های گذشته و رسیدن به بازآفرینی اجتماعی در شکل ۴ دیده می‌شود.

پس بازآفرینی شهری فرآیندی است که به خلق فضاهای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیت) منجر می‌گردد. بازآفرینی شهری، عبارت است از دید جامع و یکپارچه و مجموعه اقداماتی که به حل مسائل شهری بینجامد، به طوری که بهبود دائمی در شرایط اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی بافتی که دست‌خوش تغییر شده را به وجود آورد [۱۹]. در همین راستا مفهوم ظرفیت اجتماعی مطرح می‌شود که بایستی در بازآفرینی اجتماعی محلات در نظر گرفته شود. ظرفیت اجتماعی، مجموعه دارایی‌های فردی، انجمنی و نهادی است که در جوامع وجود دارد. تعامل سرمایه انسانی، منابع سازمانی و سرمایه اجتماعی موجود در



روند تحول سیاست‌های توسعه شهری در محدوده‌های ناکارآمد شهری در جهان نیز نشان داد که طراحی از ساخت و ساز به بازآفرینی شهری و سپس بازآفرینی پایدار یا اجتماع‌محور رفته است. این مهم یعنی پایداری اجتماعی از مهم‌ترین مقولات در بازآفرینی است و اگر طراحی شهری به آن نائل نشود، آسیب‌زننده خواهد بود. مدل‌های مختلفی را برای بازآفرینی اجتماعی می‌توان نام برد برای مثال مدل مالکیت دارایی‌های عمومی، مدل بودجه‌ریزی مشارکتی، مدل شرکت‌های اجتماعی و مدل توسعه‌محور از عمده این مدل‌ها است. توجه به چشم‌انداز، برنامه‌ها و اهداف، تحقیق و پژوهش و شناسایی نیازها و ظرفیت‌ها و تدوین برنامه‌های عملیاتی اجتماع‌محور از جمله مواردی است که در فرایند بازآفرینی به آن توجه شده و در حال حاضر دفاتر تسهیل‌گری مسئولیت آن را بر عهده دارند.

۵- منابع

[۱] نادریان، زهرا (۱۳۹۶). بازآفرینی فرهنگی فضاهای شهری با هدف ارتقاء هویت محله‌ای (مطالعه موردی: محله سنگ شیر همدان). فصلنامه مطالعات محیطی هفت حصار، ۱۹(۵)، ۸۷-۹۶.

[۲] اسمعیل‌پور، فاطمه؛ سرائی، محمدحسین؛ اسمعیل‌پور، نجما (۱۴۰۰). تبیین نقش منزلت اجتماعی محله در گرایش به بازآفرینی آن با کاربست مدل معادلات ساختاری (نمونه مورد مطالعه: بافت میانی شهر اراک). فصلنامه مطالعات شهری، ۱۷(۳۸)، ۱۷-۳۰.

[۳] آیینی، محمد اردستانی، زهرا سادات (۱۳۸۸). هرم بازآفرینی و مشارکت مردم، معیار ارزیابی برنامه‌های توسعه درون‌زای شهری (نمونه موردی: رویکرد قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن به بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری). فصلنامه هویت شهر، ۵(۳)، ۴۷-۵۸.

[۴] ابوذری، پانته آ؛ زیاری، یوسفعلی. (۱۳۹۸). تحلیل نقش سرمایه اجتماعی بر مشارکت‌پذیری در طرح‌های ساماندهی بافت‌های فرسوده با رویکرد بازآفرینی شهری (مورد پژوهی: منطقه ۱۲ شهر تهران). فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۹(۳): ۳۳۵-۳۴۹.

[۵] سجادی، ژیلدا؛ اردلانی، روناک؛ ماندگار، رضوان؛ جمالی حاجی حسن سفلی، عین‌الله؛ رسولی، کمال (۱۴۰۰). بازتعریف شاخص‌های مکانی ارتقاء دهنده پایداری اجتماعی با رویکرد راهبردی بازآفرینی شهری در بافت تاریخی شهر سنجند. نشریه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، ۹(۴)، ۱۴۷-۱۷۹.

[۶] بوچانی، محمدحسین؛ بهرام‌پوری، آذین؛ جهان‌شاهی، سجاد (۱۴۰۰). بازآفرینی بافت تاریخی مبتنی بر توسعه میان‌افزا؛ راهکاری در پایداری اجتماعی-اقتصادی شهر، نشریه اقتصاد و برنامه‌ریزی شهری، ۱۲(۱)، ۱۹-۲۷.

[۷] علائی بوسجین، محسن (۱۳۹۹). مطالعه تاثیر بازآفرینی شهری بر توسعه سرمایه اجتماعی (نمونه موردی: پیاده راه عالی قاپو اردبیل). فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۱۲(۴)، ۱۴۹-۱۳۷.

[۸] اسمعیل‌پور، نجما؛ رحیمیان، محمدحسن؛ قربانی، سحر (۱۳۹۱). بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر بسیج اجتماعی؛ مطالعه موردی محله کشتارگاه در شهر یزد. فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۴(۱۵)، ۱۲۳-۱۴۰.

[9] Heath, S. C., Rabinovich, A., & Barreto, M. (2017). Putting identity into the community: Exploring the social dynamics of urban regeneration. *European Journal of Social Psychology*, 47(7), 855-866.

[10] Colantonio, A., & Dixon, T. (2011). *Urban regeneration and social sustainability: Best practice from European cities*. John Wiley & Sons.

مدل‌های مختلفی را برای بازآفرینی اجتماعی می‌توان نام برد برای مثال مدل مالکیت دارایی‌های عمومی، مدل بودجه‌ریزی مشارکتی، مدل شرکت‌های اجتماعی و مدل توسعه‌محور از عمده این مدل‌ها است [۲۲]. در مدل دارایی‌های عمومی تأکید بر اعتمادسازی و دستیابی به پایداری اجتماعی و ایجاد فرصت‌های درآمدی است. در مدل بودجه‌ریزی مشارکتی نیز مردم و شهروندان در تعیین و تخصیص بودجه محلات و پروژه‌ها با هم همکاری می‌کنند. شرکت‌های اجتماعی در مبحث بازآفرینی به‌عنوان مدلی برای فراهم آوردن خدمات، افزایش ارزش زمین و جذب سرمایه‌های جدید و فرصت‌های شغلی است. در نهایت در رویکرد توسعه‌محور، جمعیت و حجم مشارکت‌کنندگان اهمیت بسزایی دارد.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد تا با مروری بر مفهوم بازآفرینی اجتماعی و ابعاد آن، اطلاعاتی پیرامون برنامه‌ریزی راهبردی فضایی با رویکرد اجتماع‌محور صورت گیرد. به همین جهت مشخص گردید بازآفرینی اجتماعی می‌تواند به تقویت هویت اجتماعی در سطح محلات بینجامد و حس تعلق مردم را افزایش دهد. از طریق دیگر انگیزه‌های مردم را در برنامه‌ریزی راهبردی فضایی ارتقا داده و آنها را در تصمیم‌گیری‌ها سهیم نماید. چنین برنامه‌ریزی راهبردی نیازمند مشارکت همه‌جانبه مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد است و در قالب بازآفرینی اجتماعی ممکن می‌شود. ارتقای سطح رضایت مردم از مدیریت شهری، برنامه‌ریزان فضایی و عملکرد آنها نیز وابستگی بالایی به بازآفرینی با رویکرد اجتماع‌محور دارد. امنیت محلات در تمامی مراحل اجرای طرح‌های بازآفرینی و بهره‌برداری از آن نیز افزوده می‌شود.

پژوهش‌ها مبانی نظری نشان داد، بازآفرینی شهری، عبارت است از دید جامع و یکپارچه و مجموعه اقداماتی که به حل مسائل شهری بینجامد، به طوری که بهبود دائمی در شرایط اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی بافتی که دستخوش تغییر شده را به وجود آورد و لذا در کنار نگاه کالبدی توجه به بعد اجتماعی و مشارکت مردمی نیز ضرورت دارد. این امر باعث خدمات‌رسانی بهینه به شهروندان شده و حس رضایت آنها را ارتقا می‌دهد. مردم می‌توانند در چنین طرح‌هایی می‌تواند به صورت اجرایی، فکری، مالی یا نیروی انسانی مشارکت نمایند و البته در این مسیر بایستی توانمندسازی آنها مورد توجه قرار گیرد. شاید مهم‌ترین مقوله در بازآفرینی اجتماعی توجه به عنصر تعامل با دیگران، حس امنیت، حس تعلق، حس اعتماد و مشارکت از ابعاد سرمایه اجتماعی است و این مهم انسجام و همبستگی محلی را ارتقا می‌دهد. شفافیت و اعتمادسازی بین شهرداری و مردم از یکسو و عدالت‌محوری از سوی دیگر سبب می‌شود تا مردم دیدگاه مثبتی نسبت به پروژه‌های شهری داشته باشند.

- [11] Glasson, J., & Wood, G. (2009). Urban regeneration and impact assessment for social sustainability. *Impact Assessment and Project Appraisal*, 27(4), 283-290.
- [12] Orueta, F. D. (2007). Madrid: Urban regeneration projects and social mobilization. *Cities*, 24(3), 183-193.
- [13] Hull, A. (2006). Facilitating structures for neighbourhood regeneration in the UK: the contribution of the Housing Action Trusts. *Urban studies*, 43(12), 2317-2350.
- [۱۴] علیزاده بیرجندی، آرش؛ علیزاده، کتایون؛ جعفری، حمید (۱۴۰۰). تحلیل فضایی - مکانی میزان مشارکت اجتماعی در بازآفرینی بافت ناکارآمد شهری (مطالعه موردی: شهر بیرجند)، فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۳(۱۱)، ۲۵۱-۲۷۰.
- [۱۵] فنی، زهره (۱۴۰۰). بررسی اثرات بازآفرینی در پایداری اجتماعی- فرهنگی محله‌های تاریخی (پژوهشی در محله ایران، منطقه ۱۲ تهران). *مجله پژوهش‌های دانش زمین*، ۱۲(۴۵)، ۲۰۲-۲۲۱.
- [۱۶] احدزاد، محسن؛ حیدری، محمد تقی؛ محرمی، سعید. (۱۳۹۹). بازآفرینی اجتماعی بافت تاریخی با رویکرد گردشگری شهری (مورد پژوهی: بافت تاریخی شهر زنجان). *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۱۰(۳-۲): صص ۹۴۷-۹۶۰.
- [۱۷] تنگچی مهباری، میلاد (۱۳۹۴). بازآفرینی محلات مرکزی شهر، همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران، یزد.
- [18] Huston, S., Rahimzad, R., & Parsa, A. (2015). 'Smart'sustainable urban regeneration: Institutions, quality and financial innovation. *Cities*, 48, 66-75.
- [19] Roberts, P., & Sykes, H. (Eds.). (2000). *Urban Regeneration: A Handbook*. SAGE.
- [۲۰] طاهری، شیمیا و شیبانی، امیرحسین. (۱۳۹۵). تبیین مدل مفهومی تجدید حیات فضاهای شهری در بازآفرینی شهری، اولین کنفرانس ملی معماری اسلامی، میراث شهری و توسعه پایدار، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- [۲۱] آریانا، اندیشه؛ محمدی، محمود؛ کاظمیان، غلامرضا. (۱۳۹۷). مدل مدیریت تعارض ذینفعان بازآفرینی شهری برپایه حکمروایی همکارانه، نامه معماری و شهرسازی، ۱۱(۳۱): صص ۱۲۳-۱۴۳.
- [۲۲] ضیایی، آستیاژ (۱۳۹۵). بازآفرینی اجتماعی مینا: تاملی بر مفهوم گروه اجتماعی و پیوند آن با رویکرد بازآفرینی شهری، نشریه جستارهای شهرسازی، پیاپی ۴۵ (بهار و تابستان ۱۳۹۵): صص ۱۰-۲۴.